

# سفرنامه ای به آلمان در نوامبر شیرین

با گزارشی از کنفرانس  
«بازسازی وحی قرآن در بستر تاریخی» (مونس‌تر ۲۰۱۹)

۱۶۳-۱۷۳

حیدر عیوضی  
عضو پژوهشکده تفسیر، پژوهشگاه قرآن و حدیث قم،  
Heidareyvazi@yahoo.com

## A Journal of a Trip to Germany in Sweet November: a Report of the Conference of «the Possibilities of Historical Reconstruction of the Qur'anic Revelation»

By: Heidar Eivazi

**Abstract:** The following paper is an overview of the author's trip to Germany in November 1398 to attend the conference of «The Possibilities of the Historical Reconstruction of the Qur'anic Revelation» at Munster University in the west of Germany.

**Key words:** Travel literature, Germany, Possibilities of Historical Reconstruction of the Qur'anic Revelation, report, the Qur'an, The Qur'anic studies.

رحلة تشرین الممتعة إلى ألمانيا،  
مع تقرير عن مؤتمر ترسیم معالم الوحي القرآني في إطاره  
التاريخي

الخلاصة: يتضمن المقال الحالي تقريراً إجمالياً عن سفرة  
كاتبه إلى ألمانيا في شهر آبان من سنة ۱۳۹۸ الشمسية  
للمشاركة في مؤتمر ترسیم معالم الوحي القرآني في إطاره  
التاريخي، والذي انعقد في مدينة مونس‌تر الواقعة في  
غرب ألمانيا.

المفردات الأساسية: الرحلة، ألمانيا، مؤتمر ترسیم معالم  
الوحي القرآني في إطاره التاريخي، تقرير، القرآن،  
الدراسات القرآنية.

**چکیده:** نوشته پیش رو، گزارشی اجمالی از سفر نویسنده  
به آلمان در آبان ۱۳۹۸ جهت شرکت در کنفرانس  
بازسازی وحی قرآن در بستر تاریخی در دانشگاه مونس‌تر  
در غرب آلمان است.

**کلیدواژه‌ها:** سفرنامه، آلمان، کنفرانس بازسازی وحی  
قرآن در بستر تاریخی، گزارش، قرآن، مطالعات قرآنی.



«نوشتن به تأخیر انداختن مرگ است»<sup>۱</sup>.

آبان ماه سال ۱۳۹۸ همراه سه پژوهشگر مطالعات قرآنی، آقای دکتر محمد علی طباطبایی، خانم دکتر زهرا محققیان و آقای دکتر قاسم درزی برای شرکت در کنفرانس «بازسازی وحی قرآن در بستر تاریخی»<sup>۲</sup> عازم دانشگاه مونستر در غرب آلمان شدیم. پس از آن برای برگزاری یک ورکشاپ مشترک به پادربورن رفتیم و پایان سفر بازدید از پروژه کورپوس کورانیکم<sup>۳</sup> در پوتسدام (برلین) بود. آنچه در ادامه می‌آید گزارش اجمالی از این سفر نه‌روزه است.

### روز اول: پنج‌شنبه ۱۶ آبان / ۷ نوامبر ۲۰۱۹

حدود ساعت ۴ بامداد تهران را به سوی دوسلدورف ترک کردیم. پس از توقف یک ساعته در وین، ساعت ۹ صبح به خاک آلمان پا گذاشتیم. نزدیک‌ترین فرودگاه بین‌المللی به مونستر، غرب آلمان در شهر دوسلدورف قرار دارد و از آنجا تا مقصد ما با ترن حدود ۲ ساعت راه بود. سرانجام با ترن ساعت ۱۱:۱۳ دقیقه راهی مونستر شدیم. مشاهده این مسیر در فصل پاییز پادشاه فصل‌های توانست خستگی راه را به کلی رفع کند. حدود ساعت ۱۳ به مونستر رسیدیم. چهره شهر آرام، جذاب و دور از هرگونه استرس و نگرانی به نظر می‌رسید. در وهله نخست انبوهی از شهروندانی که برای تردد از دوچرخه استفاده می‌کردند و وجود زیرساخت‌های لازم برای آن بیش از هر چیز دیگری خودنمایی می‌کرد. بعد از ظهر آن روز به تحویل اتاق و استراحت در هتل گذشت.

### روز دوم: جمعه ۱۶ آبان / ۸ نوامبر

از آنجا که افتتاحیه کنفرانس عصر بود، صبح جمعه فرصت کافی داشتیم تا گشتی در شهر بزنیم. از مکان‌های دیدنی مونستر که به سلیقه آقای طباطبایی در اولویت لیست بازدیدمان قرار داشت، کلیسای کاتولیکی سنت پاول<sup>۴</sup> در مرکز شهر بود. بنای اولیه آن حدود ۱۲۰۰ سال پیش به صورت یک صومعه بر روی تپه‌ای بوده که بعدها شهر مونستر در اطراف آن شکل گرفته است. نمای فعلی کلیسا با معماری رومی. گوتیک اثری از سال ۱۲۲۵ م بود. یکی از وسایل ویژه آن ساعت نجومی<sup>۵</sup> بزرگی بود که بین سال‌های ۱۵۴۰-۱۵۴۲ م ساخته شده بود.<sup>۶</sup>

۱. سیزنوته بام، در محفل شاعران مرده، ترجمه مهشید میرمعزی، ص ۱۹.

2. "The Quran in its milieu of origin", Münster 8-10 Nov 2019

3. Corpus Coranicum.

4. St. Paulus Dom.

5. Astronomical Clock.

۶. صفحه ۲۴ آن ساعته بود و شماره‌ها برخلاف جهت ساعت‌های متداول بودند و عقربه‌ها نیز برعکس می‌چرخیدند. صفحه ساعت نیز بر روی نقشه جهان قرار داشت که خود بر روی یک اسطرلاب طراحی شده بود. به طرز کلی این سازه سه بخش اصلی داشت: تاج، ساعت نجومی و تقویم که توضیح هر کدام یک مقاله مفصل می‌طلبد. در میان انبوهی از عجایب آن، در بخش فوقانی (تاج) مجسمه داود پادشاه بود که سر جالوت را به دست گرفته بود. پایین تر مجسمه کودکی عیسی مسیح در دامن مریم مقدس قرار داشت. بر اساس اطلاعات مندرج، یک بار در روز، ظهر به صورت خودکار یک نمایشی در این قسمت اجرا می‌شد؛ اجمالاً به این شکل که ابتدا ستاره‌ای در قسمت شرقی حرکت می‌کرد و در مقابل



اما ساختمان کلیسا؛ در سمت راست اتاق‌هایی برای عبادت و مباحثات علمی تعبیه شده بود. سالن عمومی با تعدادی نیمکت در سمت چپ قرار داشت و بعد از آن فضایی برای روشن کردن شمع بود که منتهی می‌شد به سالن اصلی. در یکی از اندرونی‌های سمت چپ، کشیشان و قدیسان متعددی به خاک سپرده شده بودند. گنبد اصلی با نورگیرهای رنگارنگ که شانه به شانه هم ایستاده بودند، فضای سالن را از آلودگی می‌نمایاند. اعتراف می‌کنم که واژه‌های من نمی‌توانند معماری ظریف و انبوهی از شاهکارهای آن را ترسیم کنند:

«... تورا در کلمات پیامبران پنهان کردم

در شراب راهبان

در دستمال‌های بدرقه

نقش تورا بر نورگیرهای کلیساها کشیدم...»<sup>۷</sup>

از دیگر مناطق دیدنی شهر دریاچه<sup>۸</sup> بود که ساعتی نیز در حاشیه آن گشتیم و در نهایت به سمت هتل برگشتیم.

جلسه افتتاحیه کنفرانس با یک ساعت تأخیر در ساعت ۵:۳۰ دقیقه شروع شد. پرفسور مهند خورشید<sup>۹</sup> و خانم کاتارینا رشیق<sup>۱۰</sup> ضمن خوش آمدگویی به مهمانان به معرفی مرکز الهیات مونستر<sup>۱۱</sup> به عنوان برگزارکننده این کنفرانس، اهداف و چشم‌اندازهای آن پرداختند.

پس از آن برنامه دو سخنرانی اصلی داشت: یکی پرفسور دوست داشتنی آقای دکتر عزیزالعظمه<sup>۱۲</sup>، استاد تاریخ دانشگاه اروپای مرکزی در بوداپست مجارستان بود که درباره «مسائل مربوط به بستر تاریخی قرآن» سخنرانی کرد. پرفسور العظمه را پیش‌تر با کتاب سخت‌خوان ظهور اسلام در اواخر دوره باستان<sup>۱۳</sup> می‌شناختم؛ به طور خاص به سبب فصل پنجم آن که متضمن مباحث فنی ریشه‌شناختی است، همواره در نظر من بزرگ بود، اما در این کنفرانس او را بزرگ‌تر یافتیم. امیدوارم صاحب‌همتی این کتاب را به فارسی برگرداند. دیگری اولیور لمان<sup>۱۴</sup> استاد نام‌آشنا از دانشگاه کنتاکی آمریکا که مطالب خود را ذیل عنوان «نقش تاریخ در فهم قرآن» مطرح کرد. در حاشیه افتتاحیه به طور اتفاقی آقای دکتر حامد ناجی را ملاقات کردم که برای چند روز به مونستر آمده بود. از مقاله‌ای که در حوزه ردیه دفاعیه نویسی عصر صفویه در کنفرانسی در برلین ارائه داده بود، صحبت کردند. استاد ناجی دانشمند فرزانه و خوش‌فکری هستند که هم صحبتی با ایشان مغتنم و گران‌بهاست.

از آنجا که تعدادی از مدعوین نتوانسته بودند خود را به مونستر برسانند، تغییراتی در پنل‌های کنفرانس رخ داده بود. براساس برنامه جدید، تمام سخنرانی‌ها در ده پنل ارائه می‌شد که چهار تا به مباحث پیش‌اسلامی و منابع / متون اولیه، تعدادی نیز به مباحث زبان‌شناسی، ساختاری و موضوعات تاریخی اختصاص داشت.<sup>۱۵</sup> پنل نخست برای

مجموعهٔ مریم و مسیح متوقف می‌شد، آن‌گاه از سمت چپ یک در باز می‌شود و سه چهره ظاهر می‌شوند که به سمت مجسمه‌های مذکور می‌آیند و پس از تعظیم از در سمت چپ خارج می‌شوند. در واقع این نمایش، بازسازی روایت پیشگویی ظهور مسیح است که در انجیل متی باب دوم روایت شده است. ۷. قبانی، صد نامهٔ عاشقانه، ترجمهٔ رضا امری، ص ۲۹، ۲۸ (سطر آخر در زبان اصلی شعری باشد که در ترجمهٔ عامری حذف شده است).

8. Lake Aa

9. Prof. Dr. Mouhanad Kkorchide.

10. Catharina Rachik.

11. Zentrum für Islamische Theologie, Münster Uni.

12. Prof. Dr. Aziz al-Azmeh (Center European Uni. Budapest).

13. The emergence of Islam in late Antiquity, Cambridge, 2014.

14. Prof. Dr. Oliver Leaman (Uni. Kentucky).

۱۵. برای اطلاعات مفصل‌تر رک به:

روز شنبه «بینامتنی و متون پیشااسلامی» نام داشت و ساعت ۹:۳۰ دقیقه صبح شروع می‌شد که در آن می‌بایست به ترتیب بنده و آقای دکتر عمران البدوی<sup>۱۶</sup> از دانشگاه هیوستن آمریکا هر کدام ۲۰ دقیقه سخنرانی می‌کردیم. به همین دلیل آن شب، پس از صرف شام زود به هتل برگشتم تا برای ارائه فردا آماده‌تر باشم.

### روز سوم و چهارم: شنبه و یکشنبه ۱۷، ۱۸ آبان / ۹، ۸ نوامبر

صبح شنبه نیز زود بیدار شدم و یک بار دیگر ترتیب اسلایدهای پاورپوینت را با متن سخنرانی ام چک کردم. هنوز آفتاب برنیامده بود که برای یک پیاده‌روی کوتاه به محوطه هتل رفتم. صدای ناقوس کلیسای قدیمی مقابل هتل در هوا پُر بود و همچنان در گوش من هست.

ساعت ۹:۳۰ دقیقه را نشان می‌داد. تقریباً همه مهمانان در روز اول سر وقت حاضر شدند. جلسه با خوش‌آمدگویی دوباره خانم کاتارینا رشیق شروع شد. دبیر علمی پنل ما جناب آقای دکتر الداغستانی<sup>۱۷</sup> از همکاران همین دانشگاه بود. عنوان مقاله بنده «تکامل یک تصویر در زبان‌های سامی: از متون اکدی-آرامی تا قرآن»<sup>۱۸</sup> نام داشت. کوتاه آنکه این مقاله بررسی تحول یک تصویرسازی در زبان‌های سامی از سادگی به سوی مبالغه متمرکز است. براساس کتیبه‌ای متعلق به سده نهم قبل از میلاد، اقوام سامی باستان در نخستین تجربه ذهنی خود تعبیر «خورده شدن توسط دیگری» را استعاره از «نهایت ذلت و درماندگی» به کار برده‌اند. این صنعت زبانی در بخش نوئیم تورات نیز دیده می‌شود. سپس در متون اکدی-آرامی عبارت «خوردن دیگری» استعاره از «تهمت زدن / بدگویی کردن» استفاده شده است. (دانیال: ۳: ۸؛ ۶: ۲۴ [نسخه عبری ۲۵]) در شعر عربی باستان با پیمودن یک گام به جلو «خوردن گوشت آدمی» استعاره از «غیبت کردن» می‌گردد. در نهایت، قرآن ناهنجار اخلاقی مذکور را در یک تصویرسازی به «خوردن گوشت برادر مرده» تشبیه می‌کند. (حجرات: ۱۲) به عبارتی این پژوهش سعی کرده است لایه‌های پنهان یک تشبیه را در زبان‌های سامی کشف و مراحل تکامل آن را ترسیم کند.

پرفسور البدوی سخنرانی خود را با عنوان «آیا خاستگاه زنانه برای وحی قرآن وجود دارد؟»<sup>۱۹</sup> ارائه داد. از آنجا که مباحث آقای البدوی تا حدودی جنجالی بود، عمده سؤالات در وقت پرسش و پاسخ متوجه ایشان بود. با توجه به محدودیت‌های این سفرنامه در اینجا مجال بسط آن نیست.

همین‌طور طبیعی است که نمی‌توان از همه مقالات نیز نوشت. به همین دلیل در ادامه تنها به مقالات دوستان بسنده می‌کنم. سخنرانی آقای دکتر طباطبایی و خانم دکتر محققیان همراه دکتر منیرالخوان از اندونزی (دانشگاه شهر یوگیاکارتا)<sup>۲۰</sup> در پنل چهارم با عنوان «جامعه پیشااسلامی و بازسازی تاریخی» بود که بعد از نهار روز شنبه از ساعت ۱۳:۱۰ شروع می‌شد. عنوان مقاله خانم دکتر محققیان<sup>۲۱</sup> «بنات‌الله: امکان بازسازی تاریخی وحی قرآن»<sup>۲۲</sup> بود. در واقع این تحقیق یکی از نتایج کلان پروژه ایشان ذیل عنوان «انگاره بنات‌الله در اندیشه اعراب جاهلی و مواجهه قرآن با آن» است. کوتاه آنکه ایشان با تکیه بر مستندات و شواهدی که در قرون اخیر برای مطالعه عربستان پیشااسلام کشف شده‌اند و نیز رویکردهای نوین در تفسیر تاریخی قرآن در صدد اثبات این بود که می‌توان شناخت نسبتاً خوبی از این انگاره در میان اعراب پیشااسلام به دست داد؛ شناختی که در نهایت فهم‌های نسبتاً جدیدی را هم از نحوه

[https://www.uni-muenster.de/imperia/md/content/zit/veranstaltungen/flyer\\_qu\\_ran\\_2019.pdf](https://www.uni-muenster.de/imperia/md/content/zit/veranstaltungen/flyer_qu_ran_2019.pdf)

16. Dr. Emran El-Badawi (Uni. Houston).

17. Raid al-Daghistani.

[https://www.uni-muenster.de/ZIT/Postdocs/personen\\_al-daghistani\\_raid.shtml](https://www.uni-muenster.de/ZIT/Postdocs/personen_al-daghistani_raid.shtml).

18. "The Evolution of an Imagery in Semitic Languages: From Akkadian – Aramaic Texts to the Qur' ān"

19. "Is There a female Origin to Qur' ānic Revelation?"

20. Munirul Ikhwan, Kalijaga State Islamic University (UIN), Yogyakarta.

۲۱. استادیار پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

22. "The Daughters of Allah: Possibilities of the Historical Reconstruction in the Qur' ānic Revelation".

مواجهه قرآن با این دختران و هم از نحوه مواجهه منابع متقدم مسلمانان با این انگاره در پی خواهد داشت.

استنادات و تتبعات خانم دکتر محققان به قدری گسترده بود که تحسین بسیاری از جمله پرفسور عزیزالعظمه و آقای دکتر البدوی را برانگیخت. آقای دکتر طباطبایی برای مقاله خود این عنوان را برگزیده بود: «دلالت‌های تاریخی کیهان‌شناسی قرآن».<sup>۲۳</sup> ایشان برآن بود تا با مطالعه بر روی مضامین کیهان‌شناختی قرآن به سه شبهه تجدید نظر طلبان پاسخ دهد: قرآن چند مؤلف دارد، در چه تاریخی و کجا پدیدار شده است؟ تجدید نظر طلبان پاسخ‌های یکسانی به پرسش‌های مذکور نمی‌دهند، اما همگی در این نکته مشترک‌اند که پاسخ‌های سنت اسلامی را رد می‌کنند. تلاش ایشان در این مقاله برای مسئله متمرکز بود که دست‌کم از منظر آیات کیهان‌شناختی همان پاسخ‌های سنتی می‌توانند مقبول‌تر به نظر برسند.

ارائه آقای دکتر قاسم درزی روز یکشنبه در پنل هشتم «ساختارهای زبانی» قرار داشت و عنوان آن «رویکرد زبان قرآن به گفتمان‌های جنسی: به سوی بازسازی تاریخی بافت قرآن» بود.<sup>۲۴</sup> اجمالاً اینکه عموماً سه گفتمان شاخص جنسیتی مدنظر پژوهشگران این حوزه قرار می‌گیرد: گفتمان مردسالار، زن‌سالار و تساوی طلبانه. باید توجه داشت که با وجودی که تا کنون آثار متعددی مدعی استخراج گفتمان قرآنی درباره جنسیت یا جایگاه زن در قرآن کریم شده‌اند، اما تأکید اصلی این آثار عموماً بر خوانش‌های مردسالارانه رایج از قرآن کریم است، نه آنچه متن قرآن کریم بیانگر است. ایشان معتقد بود رویکرد زبان‌شناختی و توجه به نشانه‌های زبانی مرتبط با جنسیت، پیش‌زمینه قضاوت در ارتباط با نوع گفتمان غالب در قرآن کریم دارد و این کار هنوز در ارتباط با قرآن صورت نپذیرفته است. آقای دکتر درزی در این مقاله تلاش داشت از این رهگذر جایگاه قرآن را به عنوان منبعی تاریخی بهبود ببخشد. یکی از دغدغه‌های جدی آقای دکتر درزی مطالعات میان‌رشته‌ای است که رساله دکتری ایشان نیز با عنوان «روش‌شناسی مطالعات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی و مطالعات قرآنی» در همین حوزه است. علاوه بر این، کتاب دستنامه میان‌رشته‌ای آکسفورد به سرپرستاری ایشان در همین سال ۱۳۹۸ منتشر شده است.

بدون اغراق باید بگویم که کیفیت و سطح مقالات ایرانی ارائه شده در این کنفرانس موجب تغییر نگاه بسیاری نسبت به پژوهش‌های نوین در مطالعات قرآنی در ایران شده بود و این موضوع از اظهار لطف فراوان شرکت‌کنندگان به خوبی لمس می‌شد. آقای مهندس خورشید به صراحت گفت که مقالات شما نظر من را نسبت به ایران تغییر داد. بعد از این پنل قرار بود برای یک گپ دوستانه نهار را با پرفسور مهندس خورشید و آقای دکتر البدوی و خانم کاتارینا بر سر یک میز باشیم. مباحث مختلفی مطرح شد. آقای البدوی چند مجلد از شماره دوم مجله *The Journal of the International Qur'anic Studies Association* (مجله الجمعية الدولية للدراسات القرآنية) را به ما هدیه داد و تک‌تک ما را سخاوتمندانه برای عضویت یک ساله برای انجمن بین‌المللی مطالعات قرآنی (IQSA) دعوت کرد. این دورهمی از بخش‌های جذاب این سفر بود.

عصر آن روز نیز باقی‌پنل‌ها برگزار شد. در اختتامیه خانم کاتارینا از مهمانان خواست که هر چه سریع‌تر فایل نهایی مقاله را تا نهایت ۳۰ فوریه ۲۰۲۰ م برای ایشان ارسال کنند تا مجموع مقالات در قالب یک کتاب منتشر شود. آنجا که بسیاری پس از اختتامیه مونستر را ترک می‌کردند، با ایشان خداحافظی کردیم؛ از جمله با دوست عزیزمان آقای دکتر درزی؛ چراکه متأسفانه ویزای پنج‌روزه برای ایشان صادر شده بود. ما واقعاً ناراحت بودیم که در ادامه از داشتن یک همسفر خوب و دوست داشتنی محروم می‌شدیم. در آن شب خداحافظی با جوزف لومبارد<sup>۲۵</sup> هم برای

23. "Who, When and Where Composed the Qur'ân? The Historical Implications of the Cosmological Themes of the Qur'ân".

24. "The Language of the Qur'ân's Approach to Gender Discourses: Toward Historical Reconstruction of Qur'anic Context".

25. International Qur'anic Studies Association.

26. Joseph Lumbard (Hamad bin Khalifa Uni. Doha, Qatar).

عنوان مقاله ایشان «بازنگری در معناشناسی فلسفی ایزتسواز قرآن» نام داشت:



همیشه در خاطره ما خواهد ماند. او اصالتاً آمریکایی بود و سابقه مسیحیت داشت، اما از چند سال پیش مسلمان شده (جدیدالاسلام) و در دانشگاه حمد بن خلیفه (دو هفته قطر) مشغول بود. جوزف آداب اجتماعی اسلام را به نحو پرشوری رعایت می‌کرد و عباراتی مثل «الحمد لله»، «سلام علیکم» و «ماشاء الله» ورد زبانش بودند. او بسیار به ایران علاقمند بود و سؤالاتی از وضعیت مطالعات قرآنی در جامعه علمی ما می‌پرسید؛ از جمله اینکه نظریات دکتر سروش چه جایگاهی در مطالعات قرآنی جامعه ایران دارد. شب با مرور خاطرات و تجربیات شیرین در این کنفرانس گذشت.



### روز پنجم: دوشنبه ۲۰ آبان / ۱۱ نوامبر

مطابق برنامه، این روز تا ظهر فرصت دوباره داشتیم از چند جای دیدنی شهر بازدید کنیم، مانند بازدید از ساختمان اصلی دانشگاه مونستر که فوق‌العاده زیبا و جذاب بود. این ساختمان و محوطه اطراف آن در میانه سده هجدهم میلادی (۱۷۶۷م) به عنوان یک مرکز تفریح و خوش‌گذرانی برای شاهزاده‌ها تأسیس و بعدها به دانشگاه تبدیل شده است. بعد از آن به سمت مرکز شهر برگشتیم و به‌طور خاص کتابخانه مرکزی<sup>۲۷</sup> با معماری پست مدرن توجه ما را جلب کرد. رفت و آمد برای عموم آزاد بود و کسی کارت شناسایی درخواست نمی‌کرد! ورودی بدون نگهبان و حراست بود و حتی سیستم امانت‌دهی و بازگشت کتاب کاملاً مکانیزه بود. از آنجا که فرصت ما محدود بود، خیلی کوتاه در طبقه نخست آن پرسه زدیم. هر چند به خوبی می‌دانستیم که بعدها از نبودن بیشتر در آنجا افسوس خواهیم خورد. با رسیدن خورشید به وسط آسمان ما هم به سمت هتل برگشتیم و بعد از نهار، برای رفتن به پادربورن به سمت ایستگاه مرکزی قطار روانه شدیم. از مونستر جدا می‌شدیم در حالی که:

«شهر مثل همیشه در شروع زمستان  
مثل همه زن‌ها مشغول آرایش است  
خودخواه، زیبا، ستمگر  
مثل همه زن‌ها...»<sup>۲۸</sup>

واقعاً نمی‌دانم صفای این شهر از حال خوب مردمانش بود یا منظره‌های دیدنی و هوای طرب‌انگیزش. باید سعی کنم خاطرات این چند روز در کنج ذهنم باقی بماند.

\*\*\*

برنامه پادربورن به دعوت پرفسور کلاوس فون اشتوس<sup>۲۹</sup> بود که البته مکاتبات اولیه آن به واسطه دانشور محترم سرکار خانم دکتر سعیده میرصدری انجام گرفته بود. سپس با پیگیری‌های مجدانه آقای طباطبایی قرار بود یک ورکشاپ مشترک در حوزه مطالعات تطبیقی قرآن و تورات در دانشگاه ایشان داشته باشیم. از گروه ما خانم محققین و آقای طباطبایی هر کدام مقاله‌ای را آماده کرده بودند. دم‌دمای غروب بود که به پادربورن رسیدیم. خانم نسرین بنی‌اسدی دانشجوی دکتری در این شهر و از شاگردان پرفسور فون اشتوس از سرلطف برای استقبال به ایستگاه قطار آمده بود و ما را به هتلی که از طرف دانشگاه رزرو شده بود راهنمایی کرد. خانم بنی‌اسدی گفت برای شام باید به رستورانی کمی دورتر از هتل برویم، اما وقتی بیشتر سورپرایز شدیم که خبر داد آقای پرفسور لگنهاوزن نیز در این ضیافت حضور خواهند داشت. ساعت ۷ شب به اتفاق ایشان به سمت رستوران حاجی بابا حرکت کردیم. یکی از مشاغل رایج ترک تبارهای آلمان رستوران‌داری است؛ مخصوصاً فست‌فودها و دونر کباب‌ها که شهرت زیادی دارند و به علت سروغذای حلال محل دنجی برای مسلمانان محسوب می‌شوند. آقای لگنهاوزن کمی زودتر از ما رسیده بود. تا آماده شدن غذا، سرمیزی‌های صحبت‌های ایشان نشستیم. از یافته‌های جدید خود در موضوع نسبیت در معرفت‌شناسی می‌گفت و ما هم مختصری از کنفرانس مونستر گزارش دادیم.

این روزها خانواده‌های آلمانی با زنده‌نگه داشتن سنت‌های کهن به استقبال سال نوی میلادی می‌روند. یکی از بامزه‌ترین آنها در ماه نوامبر جشن فانوس (Laterne) است که بچه‌ها نقش اصلی را در اجرای آن دارند. بچه‌ها فانوس‌های فانتزی رنگارنگی را با خود حمل می‌کنند و به صورت گروهی در نقاط مختلف شهر سرود فانوس را همخوانی می‌کنند. آن شب برخی از بچه‌ها که فانوس به دست وارد رستوران می‌شدند، همچنان زمزمه ترانه فانوس را بر لب داشتند:

«فانوس، فانوس، خورشید، ماه و ستاره

چراغ من شعله‌ور است

اما فقط فانوس عزیز من نیست

فانوس، فانوس، خورشید، ماه و ستاره

بادها را به بند بکشید! بادها را به بند بکشید!

آنها باید صبر کنند تا ما به خانه برسیم...»<sup>۳۰</sup>

در ادامه شعر نام قدس مارتین (۳۹۷ م)<sup>۳۱</sup> می‌آید. او دوست بچه‌ها و حامی فقرا شناخته می‌شود. براساس روایات کهن او یک سرباز رومی بوده که در یک شب برفی برای نجات فقیری لباس خود را با او نصف می‌کند. شب مسیح را در خواب می‌بیند که خطاب به فرشته‌ها می‌گوید: «ببینید مارتین اینجاست، او یک سرباز رومی است، اما اکنون تعمید یافته». آنگاه مسیح با لباس [خود] او را می‌پوشاند. مارتین بعد از این خواب به مسیحیت گرویده و کشیش می‌شود و تا مقام اسقفی ارتقا می‌یابد. او سرانجام در ۸ نوامبر ۳۹۷ چشم از جهان فرو بسته است. پس از صرف شام

29. Prof. Dr. klaus von stosch.

30. Laterne, Laterne, Sonne, Mond und Sterne

Brenne auf mein Licht

aber nur meine liebe Laterne nicht

Laterne, Laterne, Sonne, Mond und Sterne

Sperrt ihn ein, den Wind, sperrt ihn ein, den Wind

es soll warten, bis wir zu Hause sind ...

31. Saint Martin.

و خداحافظی با آقای لگنهاوزن به هتل برگشتیم.

### روز ششم: سه شنبه ۲۱ آبان / ۱۲ نوامبر

جلسهٔ ورکشاپ صبح روز سه‌شنبه ساعت ۹:۳۰ دقیقه صبح آغاز شد. ابتدا خانم دکتر محققیان از نحوهٔ انعکاس انگارهٔ بنات‌الله در تورات سخن گفت. او با تمرکز بر قرآن به دنبال امکان بازسازی هویت بنات‌الله در متون یهودی بود.<sup>۳۲</sup> سپس آقای طباطبایی انگارهٔ تحریف بایبل (کتاب مقدس) در تاریخ اندیشهٔ مسلمانان را بررسی کرد. اجمالاً اینکه براساس مطالعات گستردهٔ ایشان در دو قرن نخست اسلامی هیچ گزارشی از اعتقاد عالمان مسلمان به تحریف کتاب مقدس ثبت نشده است (به جز چند مستند مشکوک در قرن دوم). در قرن سوم زمزمه‌هایی از این انگاره متأثر از مجادلات کلامی به گوش می‌رسد و در نهایت از قرن چهارم تا کنون به همه‌همه تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر ایشان برای انگارهٔ تحریف در جامعهٔ اسلامی سه مرحلهٔ سکوت، زمزمه و همه‌همه قائل هستند. کتاب ایشان که به تفصیل ابعاد مختلف این موضوع را بررسی کرده در مراحل آماده‌سازی است و امیدواریم زودتر به زیور طبع آراسته گردد.

آقای فون اشتوس یکی از مباحث کتاب مشترک خود با آقای مهند خورشید را مطرح کرد. عنوان کتاب پیامبر دیگر: عیسی در قرآن<sup>۳۳</sup> بود که به تازگی منتشر شده و گویا همزمان هم به انگلیسی ترجمه شده است. به طور ویژه مباحث ایشان بر تأملات جدید در تفسیر آیهٔ «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَ لَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ»<sup>۳۴</sup> متمرکز بود. اجمالاً اینکه او در این تفسیر جدید معتقد بود آیهٔ مذکور مصلوب شدن مسیح را انکار نمی‌کند (بر خلاف تلقی‌ای که در میان مسلمانان رایج است)، بلکه قرآن با هدف رفع دشمنی میان مسیحیان و یهودیان و ایجاد صلح میان ایشان سعی می‌کند یهودیان را از اتفاقی که افتاده بود (تصلیب مسیح) تبرئه کند. این تفسیر جدید، ابعاد زبان‌شناسی، متنی گسترده‌ای داشت و در اینجا مجال بسط آن نیست. علاقمندان برای بسط این دیدگاه قابل تأمل به کتاب ایشان مراجعه کنند.

در پایان به دعوت ایشان برای صرف نهار به رستوانی در بیرون از دانشگاه رفتیم. در این مسیر نسبتاً کوتاه صدای پیانو و سنتور نوازده‌های محلی سرعت گام‌های ما را کند می‌کرد. دروغ که کلمات من در ترسیم آن نغمه‌ها ناتوان اند:

«اگر می‌شد صدا را دید

چه گل‌هایی!

چه گل‌هایی!

که از باغ صدای تو

به هر آواز می‌شد چید

اگر می‌شد صدا را دید...»<sup>۳۵</sup>

رستوران هانس خوش‌شانس با دکور جنگل و منحصر به فردی که داشت خاطره‌ای دلنشین به مهمانان خود هدیه می‌داد. صفحهٔ اول منوی غذا با این جملهٔ تأثیرگذار شروع می‌شد: «خوشبختی نیازمند چیزهای زیادی نیست، خوشبختی فقط نیازمند صداقت و درستی است».<sup>۳۶</sup> پس از صرف نهار و خداحافظی با آقای فون اشتوس، آقای لگنهاوزن و دو شاگرد ایرانی او آقای وحید مهدوی مهر و خانم نسرين بنی‌اسدی به ایستگاه راه‌آهن رفتیم. اقامت

۳۲. از مقالات تازه منتشر شدهٔ ایشان در رابطه با این موضوع رک به: «بنات‌الله و چالش ارزش‌گذاری جنسیتی ایشان در قرآن کریم»، مجلهٔ مطالعات قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شمارهٔ ۲۵ (۳۱ صفحه از ۵۱ تا ۸۱).

33. Der andere Prophet: Jesus im Koran.

این کتاب با عنوان The Other Prophet: Jesus in the Qur'an به انگلیسی ترجمه شده است.

۳۴. نساء: ۱۵۷.

۳۵. شفيعی کلکئی، غزل برای گل آفتابگردان، ص ۲۱.

36. Glück braucht nicht viel, Glück braucht nur das Richtige.



در پادربورن به یمن راهنمایی‌های مشفقانه خانم بنی اسدی شیرین بود. حتی برای رزرو هتل در برلین نیز از آنجا که پرداخت اینترنتی برای ما مقدور نبود، ایشان ما را یاری کرد.

حدود ساعت ۳ عصر راهی برلین شدیم. قطار ما را از لابه لای جنگل‌ها و روستاهایی که نمی‌شناختیم به پیش می‌برد. تماشای این مسیر در پاییز فصل رنگ‌ها بخشی از لذت‌های این سفر بود. شب آهسته‌آهسته «از کناره‌ها می‌رسید»<sup>۳۷</sup> و دامن خود را بردشت‌ها و کوه‌پایه‌ها می‌گسترده. اهالی روستاها یکی پس از دیگری چراغ‌های خانه را روشن می‌کردند و من یاد این شعر گوته افتادم که شکارچیان و شبانان هنگام بازگشت به خانه آن را زمزمه می‌کرده‌اند:

«بر فراز همه قله‌ها

آرامش است

بر تازگ درختان

دشوار دم نسیمی را حس می‌کنی

مرغکان در بیشه خاموش گرفته‌اند

صبر کن، به زودی

تونیز می‌آرامی»<sup>۳۸</sup>

در میانه راه پس از توقفی یک ساعته در شهر هانوفر و تعویض قطار، حدود ده شب به برلین رسیدیم. هتل نزدیک ایستگاه قطار بود و ما نیز خیلی زود اتاق‌هایمان را تحویل گرفتیم و استراحت کردیم.

### روز هفتم: چهارشنبه ۲۲ آبان / ۱۳ نوامبر

راستش این روز، زیاد جذاب نبود. علاوه بر خستگی سفر، خودمان هم برنامه خاصی نداشتیم. به پرسه در شهر و عکس‌گرفتن از یک پل خاص بسنده کردیم. حالا خواهیم گفت چرا خاص! باید بگم که متأسفانه اسم آن را یادداشت نکردم، اما ما اسمش را گذاشته بودیم پل آرزوها؛ چون برنده‌های کناری این پل که بر روی رودخانه نسبتاً پرآبی بنا شده بود، قفل‌های متعددی دیده می‌شد. بر اساس گفته‌ها هر کدام از این قفل‌ها نشان از آرزوی معشوقی یا دیدن یاری داشت که شخص آرزومند کلید آن را داخل رودخانه انداخته بود. کسی چه می‌داند هر کدام از این قفل‌ها چه رازهایی در خود دارند.

### روز هشتم: پنج‌شنبه ۲۳ آبان / ۱۴ نوامبر

هدف اصلی ما از آمدن به برلین ملاقات با اعضای پروژه کورپوس کورانیوم و به طور خاص پرفسور میسائل مارکس<sup>۳۹</sup> و آقای دکتر علی آقایی بود. قرار ما برای صبح روز پنج‌شنبه حدود ۱۰ صبح بود. محل دیدار ما این بار در بیرون برلین، پوتسدام<sup>۴۰</sup> بود. آقای آقایی از سرلطف و برای راحتی ما پیام داد که صبح پنج‌شنبه به ایستگاه مرکزی فریدریش<sup>۴۱</sup> بیاییم تا با هم برویم. با ترن حدود نیم ساعت راه بود. جلسه در اتاق کار آقای میسائل بود. دورتادور اتاق تا سقف پر بود از کتاب که همه در حوزه مطالعات قرآن به زبان‌های مختلف، آلمانی، انگلیسی، فرانسه، عبری، عربی و... بودند. ابتدا آقای آقایی مقاله خود را در موضوع مصحف‌های کهن در کتابخانه ملی ارائه داد. ایشان پژوهشگر توانایی هستند و بنده همواره از خوانندگان آثار وی هستم. سپس آقای دکتر آدریان پیرتا<sup>۴۲</sup> در باب مقایسه روایت قرآنی از اصحاب کهف با روایات دیگران در متون باستانی پیشاقرآنی و حتی پس‌اقرآنی به زبان‌های مختلف

۳۷. «شب که می‌رسد از کناره‌ها/ گریه می‌کنم با ستاره‌ها»، شعراز حسین منزوی.

۳۸. رک به: «بر فراز همه قله آرامش است»، هنرور شجاعی، فصلنامه هنر، زمستان ۱۳۷۲ و بهار ۱۳۷۳ - شماره ۲۴ (۳ ص، ۲۹۰ - ۲۹۲). ترجمه دیگری از آن به قلم آقای علی عبداللّهی در عاشقانه‌های گوته، ص ۱۰۸.

39. Michael Marx.

40. Potsdam.

41. Friedrichs Straße.

42. Dr. Adrian C. Pirtea (adrian.pirtea@fu-berlin.de).

از لاتین و یونانی گرفته تا سریانی و حبشی صحبت کرد. نکته بسیار جالب در این تحقیق این بود که نشان می‌داد هر جا قرآن به اختلافاتی درباره جزئیات داستان اشاره کرده، مثل تعداد اصحاب کهف و ساختن یا نساختن مقبره برای ایشان واقعاً مابۀ ازای خارجی در منابع پیشاقرآنی به زبان‌های مختلف دارد و این نشان می‌دهد که قرآن واقعاً و به خوبی از روایت‌های مختلف این داستان در منابع مختلف پیش از خود آگاه بوده است.

هریک از دوستان توضیحات مختصری درباره علایق و طرح‌های پژوهشی شان ارائه دادند. آقای طباطبایی از طرح پژوهشی جاری خود درباره نگاه مفسران امامیه به کتب مقدس پیشین صحبت کرد و گفت به دنبال این هست که ببیند چطور تغییر پارادایم‌ها در تاریخ تفسیر شیعه بر نگاه مفسران شیعه به کتب مقدس پیشین تأثیر گذاشته است. خانم دکتر محققیان در رابطه با کارکردهای بنات‌الله در قرآن بحث جالبی مطرح کردند و تفسیر نسبتاً جدیدی را از آیات سوره نجم ارائه کردند.

بنده نیز به معرفی پروژه در دست‌کارم، زبان‌شناسی تطبیقی عربی و عبری کلاسیک (تورات عبری و قرآن) پرداختم. برخی از نتایج آن در سال‌های اخیر به صورت مقاله منتشر شده است. در این جلسه با دیگر همکار این مجموعه آقای آندریاس کاپلونی<sup>۴۳</sup> نیز آشنا شدیم. آقای مشائل کتاب جدیدی را که او و آقای کاپلونی ویراستار علمی آن بودند معرفی کرد: عبارات قرآنی در اسناد و پاپیروس‌های سده هفت تا ده میلادی.<sup>۴۴</sup>

جلسه پرباری برای ما بود و از هم‌صحبتی با آقای مارکس و همکارانشان ایده‌های جدید و انگیزه بیشتری گرفتیم. با یک تیم علمی منسجم و دقیق بیشتر آشنا شدیم که از اصول و مبانی کار گروهی به خوبی مطلع بودند؛ همان چیزی که جامعه علمی ما (منظورم بیشتر علوم انسانی) از فقدان آن رنج می‌برد. با دوستان آقای مارکس در کورپوس کورانیوکوم خداحافظی کردیم، اما آقای آقایی از سر لطف گفت که امروز وقتم را برای شما خالی گذاشتم تا گشتی در پوتسدام بزنیم. دوستان خوب هدیه‌های غیرمنتظره آفرینش هستند که باید قدر آنها را دانست. تقریباً از ظهر تا غروب در پارک بزرگ سان سوسی<sup>۴۵</sup> قدم زدیم. در یک منطقه وسیع و کاملاً سرسبز کاخ‌ها و باغ‌های متعددی به چشم می‌خورد؛ به طور خاص قصر فریدریش دوم<sup>۴۶</sup> که فوق‌العاده جذاب بود. او تنها پادشاه در تاریخ آلمان است که به جای برلین، پوتسدام را به عنوان مقر فرماندهی خود انتخاب کرده است. تقریباً تا یک ساعت بعد از غروب در همین پارک بودیم، اما بسیاری از جاها را نتوانستیم ببینیم. در نهایت به ایستگاه مرکزی قطار برگشتیم. آقای آقایی نهایت محبت و مهمان‌نوازی خود را با دعوت به یک رستوران ایتالیایی برای صرف شام نشان داد. پس از شام با ایشان خداحافظی کردیم و به برلین برگشتیم.

در برلین در ایستگاه الکساندر پلاتس<sup>۴۷</sup> پیاده شدیم تا این چند ساعت بازمانده از عمر سفر را در مراکز خرید و فروشگاه‌ها بگذرانیم؛ از جمله فروشگاه دی‌ام (DM) که یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای معروف و معتبر در آلمان است و شعبه‌های فراوانی در شهرهای مختلف دارد. محل خرید نسبتاً خوبی بود. برخلاف رستوران‌ها که تا دیروقت باز هستند، مراکز خرید در آلمان ساعت ۹ شب می‌بندند. از الکساندر پلاتس تا محل اقامت در ماینینگهاتل در خیابان اُرانین‌بورگ<sup>۴۸</sup> در آخرین شب سفر پیاده آمدیم که حدود ۲۰ دقیقه راه بود. در نهایت در روز نهم، صبح جمعه ۲۴ آبان / ۱۵ نوامبر حدود ساعت ۷ به سمت فرودگاه تاگل<sup>۴۹</sup> حرکت کردیم تا به سرزمین مادری خویش بازگردیم.

43. Andreas Kaplony.

44. Qur'ān Quotations Preserved on Papyrus Documents, 7th-10th Centuries, Brill, 2019.

45. Sanssouci Park.

46. Frederick II, 1712-1786.

47. Alexanderplatz.

48. Meininger Hotel, Oranienburger Straße.

49. Tagel.

«در انتهای هر سفر

در آینه

داروندار خویش را مرور می‌کنم

این خاک تیره این زمین

پاپوش پای خسته‌ام

این سقف کوتاه، آسمان

سرپوش چشم بسته‌ام ...

گم گشته‌ام، کجا؟

ندیده‌ای مرا؟»<sup>۵۰</sup>